

توصیف و تحلیل نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران از نقشهای تربیتی خود و میزان همپوشانی آن با انتظارات برنامه درسی ملی

دکتر علی ضیایی مهر*

دکتر محسن حلاجی**

چکیده

هدف این پژوهش، توصیف و تحلیل نظرات معلمان از آگاهیهای مرتبط با نقشهای تربیتی خود و میزان همپوشانی آن با انتظارات برنامه درسی ملی بوده است. با بهره‌گیری از روشهای پدیدارشناختی و زمینه‌یابی از نوع توصیفی-تحلیلی، نخست پرسشنامه محقق‌ساخته با یک سؤال باز میان ۸۰ نفر از آنها به شکل تصادفی توزیع و گردآوری شد. سپس با استخراج برداشتها و تعبیر ارائه شده، پرسشنامه نظرسنجی نهایی نقشهای تربیتی معلمان، تولید و میان ۲۳۹ نفر از دبیران زن دوره دوم متوسطه شهر تهران با نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای اجرا شد. نتایج چرخش تحلیل عاملی در نرم افزار لیزرل نشان می‌دهد که از دیدگاه دبیران این خرده نقشها می‌تواند به ترتیب در چهار گروه نقشهای ارتباطی و خلاقانه، آموزشی و اجرایی، انگیزشی و هدایتگرانه دسته بندی شود. میزان آگاهی معلمان با میانگین تجربی کل با عدد ۱/۵۵ کمتر از میانگین نظری (۳) به دست آمده است که نشان‌دهنده آگاهی کمتر از حد متوسط معلمان نسبت به نقشهای تربیتی خود است. مقایسه خرده نقشهای تربیتی سند برنامه درسی ملی با خرده نقشهای تربیتی ارائه شده از سوی معلمان، نشان می‌دهد که معلمان درباره خرده نقشهای تربیتی و خلاقانه آگاهی و شناخت کافی ندارند، اما درباره سایر نقشها از آگاهی کافی برخوردارند. از این رو، همپوشانی بالایی میان نقشهای تربیتی برگرفته از سند برنامه درسی ملی و نظرات معلمان مشاهده می‌شود.

کلید واژگان: نقش تربیتی، معلمان/دبیران، دوره دوم متوسطه، برنامه درسی ملی، مبانی نظری تحول

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۹

ziyaeali@yahoo.com

* شورای عالی آموزش و پرورش

Hallajmohsen@yahoo.com

** عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

مقدمه

آموزش و پرورش از عوامل کلیدی توسعه پایدار و زمینه‌ساز دستیابی به سعادت‌مندی فردی و اجتماعی جوامع گوناگون به شمار می‌آید. از این رو، رشد و توسعه چنین نهادی نیازمند برنامه‌ریزی نظام‌مند و هوشمندانه در همه زمینه‌ها به‌ویژه ارتقای مهارت‌های معلمی است. برای برنامه‌ریزی جامع در حوزه‌های آموزشی و درسی، آگاهی برنامه‌ریزان و پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت از عملکرد خرده نظام‌های آموزشی مانند نقش‌های تربیتی معلمان در مدارس ضروری است. آگاهی به این نقش‌ها و ایفای آنها در تحقق بخشیدن به حیات طیبه نقشی اساسی دارد. کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته‌ای از حیات طیبه و هدایت متربیان می‌تواند موجبات تربیت آنان را فراهم کند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) در دو بند اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی و رویکرد و جهت‌گیری کلی، ابتدا به مصادیق نقش‌های تربیتی معلم (معلم مرجع) و سپس به چیستی حرفه معلمی (انتظارات از معلم) اشاره شده است. بند اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی به ۱۱ زیربند اشاره کرده است که در زیربند ۴-۳ به توضیح اعتبار نقش مرجعیت معلم (مربی) می‌پردازد: برنامه درسی و تربیتی باید به نقش مرجعیت معلم در هدایت تربیتی برای تقدم تزکیه بر تعلیم، غنی‌سازی محیط تربیتی و یادگیری و فراهم سازد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰). این توضیح، گویای ترسیم نقشی است که برنامه درسی ملی برای معلم قائل است. بدیهی است که از یک سو معلمان باید در تحقق عناصر و عوامل ترسیم شده در ایفای این نقش بکوشند و از سوی دیگر برنامه‌ریزان در سطوح مختلف در جهت تسهیل تحقق آن تلاش کنند. زیربند ۲-۴ از بند رویکرد و جهت‌گیری کلی، به معلم و نقش او چنین نگاهی دارد: «در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار(ع)، اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.... یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است».

درک معنای نقش تربیتی در هر چارچوب نظری ابتدا نیازمند تبیین این مفهوم در قالب یک مدل مفهومی است. برای درک معنای نقش تربیتی باید مروری به واژه‌ها و اصطلاحات نزدیک به آن کرد. یکی از این واژه‌ها «وظیفه» است. وظایف به‌طور نظری در قالب نقش‌ها تبلور پیدا می‌کنند. از این‌رو یک نقش در برگیرنده یک یا چند وظیفه است. برای تحقق نقش‌ها به‌طور معمول نیاز به کسب شایستگی‌های عام (اعتقادی، اخلاقی و دانش پایه) و خاص (دانش و مهارت تربیتی و دانش تخصصی) است (مبانی نظری تحول، ۱۳۹۰). داشتن این شایستگی‌ها به شکل‌گیری هویت شغلی یا

حرفه ای می انجامد. استانداردهای حرفه ای و در بحث ما استانداردهای معلمی به حد مطلوبی از این شایستگیها اشاره دارد. با این توضیح اصطلاح «نقش تربیتی» در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی چنین آمده است:

نقش مربی در ادامه نقش تربیتی انبیا و اولیای الهی، اسوه ای امین، راهنمایی بصیر و عالمی توانا دانست که وظیفه هدایت، روشنگری، برنامه ریزی، آموزش، پشتیبانی، مشورت، بازخورد دادن، و ترغیب متریبان برای به چالش کشاندن موقعیتهای کنونی/فعالی جهت بسط و توسعه ظرفیتهای وجودی را برای کسب شایستگیها و دستیابی به مراتبی از حیات طیبه بر عهده دارد.

این تعریف نشان می دهد که گستره میدان مفهوم نقش تربیتی بسیار بزرگ بوده و سه نوع دانش را که شالمن^۱ (۱۹۸۷ و ۱۹۸۶) با عنوان دانش محتوایی تربیتی، دانش موضوعی^۲ و دانش زمینه ای^۳ (فحوایی) معرفی کرده است، صرفاً محدود به شایستگیهای خاص معلمی است (مثل: دانش موضوعی که عبارت است از دانشی که یک معلم را از معلمان دیگر جدا می کند، برای نمونه، معلم فیزیک یا معلم تربیت بدنی) و به او کمک می کند تا بخشی از وظایف خود را در قالب نقش تربیتی ایفا کند (میراندا^۴، ۲۰۰۸).

در پیشینه ادبی تحقیق حاضر در ایران، چندین پژوهش مشاهده می شود که تا حدی در تولید دانش در این زمینه کمک کرده اند: پایدار (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان «نقش ویژگیهای گوناگون شخصیت معلم و چگونگی ارتباط آن با نیازهای روانی دانش آموزان و تأثیر و تأثر این دو بر یکدیگر» به نقش معلم در قبال کودکان نیمه محروم که نقشی تعدیل کننده است، اشاره می کند. درخشان (۱۳۸۱) در مطالعه ای با عنوان «بررسی نقش دانش، مهارت و ویژگیهای معلم مطلوب در تحقق اهداف تربیتی نظام آموزش و پرورش» بر نقش تربیتی معلم و چگونگی ایفای آن تأکید می کند که در سه مورد خلاصه شده است: الف) دانش مورد نیاز در زمینه های تخصصی، روشهای تدریس، اصول و مبانی تربیت، ب) مهارتهای کلاس داری، کاربرد مواد وسایل آموزشی و کمک آموزشی، الگوسازی و اجرای راهبردهای تربیتی، ج) ویژگیهای معلم: صبر و حوصله، شوق به کار، رفتار دوستانه با شاگرد، سلامت جسمی و روانی، اجتماعی بودن، آرام و متین بودن، دوستی و مهربانی، علاقه به شاگرد و خوش بینی. محسن پور (۱۳۸۲) در مقاله ای با عنوان «نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت» مفهوم تربیت را عمل آگاه سازی متربی و مورد مراقبت قرار دادن او از

1. Shulman
2. Subject knowledge
3. Context knowledge
4. Miranda

سوی مربی می‌داند. آنگاه مسئله کم‌توجهی به امر تربیت را در نظامهای آموزشی دنیوی‌گرایانه (سکولار) مورد بحث قرار می‌دهد و پیامدهای این کم‌توجهی را یادآوری می‌کند. سپس با استناد به توصیه‌های مربیان و نظریه‌پردازان مسلمان، ضرورت توجه به تربیت را یادآور می‌شود. پس از آن، به بررسی نقش معلمان در فرآیند تربیت می‌پردازد و نتیجه‌گیری می‌کند که تربیت با تعلیم، پیوندی گسست‌ناپذیر دارد و معلمان باید از همه فرصتها و تجارب آموزشی برای تقویت بنیانهای اخلاقی دانش‌آموزان بهره ببرند. نتیجه‌گیری پایانی مقاله این است که موفقیت معلمان در امر تربیت، مستلزم تنظیم و تدوین برنامه‌های درسی با رویکردی تربیت-محور و نیز تجدید نظر در دروس تربیتی مراکز تربیت معلم، به منظور آماده کردن دانشجو-معلمان برای ایفای نقش تربیتی آنها در آینده است. احمدی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «نقش معلم در ساخت شخصیتی دانش‌آموزان» به نقش الگوی معلم در ساخت شخصیت دانش‌آموزان در ده بعد اشاره می‌کند. این ابعاد عبارت‌اند از: نقش آموزش و پرورش ذهنی، نقش الگویی و رشد عاطفی، نقش حمایتی و بارورسازی استعدادها و علایق، نقش تقویتی و تلاش در ایجاد رفتار مطلوب، نقش اجتماعی و ایجاد روابط سالم و سازنده، نقش مشورتی و تشخیص و عرضه راه حل برای مشکلات، نقش رهبری و ایجاد نظم و قدرت تصمیم‌گیری، نقش ابتکاری و ایجاد فرصت برای رشد خلاقیتها، نقش انضباطی و کمک به کنترل شخصی، نقش معنوی و رشد ارزشهای اخلاقی. مکارمی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «نقش معلم در بهداشت روانی دانش‌آموز» به هدفهای آموزش و پرورش مانند پروراندن شخصیتهای متعادل برای جامعه اشاره می‌کند. نوالی (۱۳۸۲) مقاله خود را با عنوان «آثار تربیتی ناشی از ویژگیهای گوناگون شخصیتی معلمان در دانش‌آموزان» با هدف اصلی بررسی ابعاد نقش تربیتی معلم در فکر و عمل تدوین کرده است. فرهادیان (۱۳۸۲) در مطالعه پیرامون ویژگیهای معلم مطلوب، «صلاحیتها و ویژگیهای معلم مطلوب از دیدگاه اسلام» را شخصیت دادن به دانش‌آموزان یا محترم دانستن آنها، تسلط کامل بر موضوع درسی، آشنایی با اصول تعلیم و تربیت، آشنایی با روانشناسی، ایجاد رابطه با دانش‌آموز و اولیای او با مهر و عطف، پرهیز از تهدید و ارباب، رفتاری توأم با انعطاف، انگیزه دادن، تحمل و پذیرش ضعفهای خود و پرهیز از حسادت به رشد دانش‌آموزان و انتقادپذیری بر می‌شمارد. آل اسحاق (۱۳۸۲) در بررسی نقش تربیتی معلم به نگارش مقاله‌ای پرداخته است؛ او در این مقاله به این باور رسیده که روانشناسی غرب با خدمات خود به فرهنگ و تمدن بشر، مسائل تعلیم و تربیت را براساس رفتارشناسی بررسی و تفسیر می‌کند و به ارزشهای فطری و قلب انسان توجهی نمی‌کند، اما روانشناسی اسلامی مسائل انسانی و تعلیم و

تربیت را بر اساس ارزشهای فطری (۲۰ ارزش) بررسی می‌کند و کانون تربیت را قلب انسان می‌داند و برای الگوها در تربیت، نقشی مهم قائل است. یکی از این الگوهای مهم معلم است. مفیدی (۱۳۸۲) در مطالعه ای با عنوان «نقش الگودهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان دوره ابتدایی» ضمن بررسی مبانی نظری موجود پیرامون الگودهی معلم به سه نقش الگودهی معلم در جریان تربیت کودکان اشاره می‌کند. این سه نقش عبارت اند از: نقش الگودهی معلم در ایجاد انگیزه و محرک رشد ذهنی دانش‌آموزان، نقش الگودهی معلم در جریان رشد اجتماعی کودکان، نقش الگودهی معلم در پیشرفت رشد عاطفی کودکان. ملکی (۱۳۷۳) در مقاله ای با عنوان «نظام اجتماعی کلاس و نقش تربیتی معلم» ابتدا به تشریح نظام اجتماعی پرداخته و سپس این نظام اجتماعی را به کلاس تعمیم می‌دهد.

معلمان در طول آموزشهای آکادمیک، بدو خدمت و ضمن خدمت با دیدگاههای مکاتب تربیتی، روانشناسی و جامعه شناسی پیرامون کارکردها و نقشهای معلمی و نیز اصول و چگونگی انتقال دانش، توسعه و تقویت مهارتها و ایجاد نگرشهای مناسب در دانش آموزان و در نتیجه با ایفای نقش تربیتی خود آشنا می‌شوند (گرین^۱، ۱۹۸۶). اما میزان آگاهی آنها نه تنها در افراد بلکه در گروههای آموزشی متفاوت بوده و حتی ممکن است کمتر از میانگین جامعه خود باشد و از این رو منجر به ادراک نادرست و انحراف از نقشها و وظایف محوله شود. با عنایت به این مسئله، یکی از مقدمات برنامه‌ریزیهای آموزشی بدو و ضمن خدمت معلمان، نیاز سنجی آموزشی است که گویای فاصله وضعیت موجود (آگاهیها و نگرشها و مهارتهای معلمان) در مقایسه با ملاکهای اسناد مصوب شورای عالی آموزش و پرورش است. از جمله مواردی که می‌تواند به عنوان مستندات مقدماتی برای هرگونه نیاز سنجی و برنامه‌ریزی آموزشی ضرورت پیدا کند؛ بررسی، توصیف و تحلیل نظرات معلمان از نقشهای آنها در فرآیند تعلیم و تربیت است. همچنین برای برنامه‌ریزان در سطوح کلان همواره این مسئله وجود دارد که آنچه معلمان به عنوان نقشهای تربیتی تلقی می‌کنند به چه میزان با ملاکها و انتظارات سند همپوشانی دارد. به عبارت دیگر فرضیه کلی تحقیق این بود که نقشهای تربیتی که معلمان برای خود قائل هستند، همپوشانی اندکی با انتظارات و نقشهای تربیتی مطرح شده در سند برنامه درسی ملی دارد. از این رو سؤالات پیش روی تحقیق حاضر به شرح ذیل است:

۱. نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران نسبت به نقشهای تربیتی خود چیست؟

۲. میزان آگاهی و اولویت نقشهای تربیتی از منظر معلمان زن دوره دوم متوسطه چگونه است؟

۳. آیا نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه در خصوص نقشهای تربیتی با انتظارات سند برنامه درسی ملی از نقشهای تربیتی معلم همپوشانی دارد؟

پاسخ به پرسشهای مذکور نه تنها فهم و برداشت کنونی معلمان را نسبت به نقشهای تربیتی خود را مشخص می‌کند، بلکه اطلاعاتی مفید برای برنامه‌ریزان آموزشی و مدیریت منابع انسانی در آموزش و پرورش (زیر نظام تربیت معلم و نیروی انسانی) فراهم می‌کند تا از میزان اهمیت این نقشها از دیدگاه معلمان و فاصله آنها با انتظارات سند برنامه درسی ملی آگاه شوند.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با روش پدیدارشناسی و زمینه‌یابی از نوع توصیفی-تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری آن را کلیه معلمان زن دوره دوم متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران تشکیل داده اند که به جز مربیان پرورشی و تربیت بدنی معلمان شرکت کننده در این پژوهش همگی شاغل بودند و در کلاس درس حضور داشتند. انتخاب جنسیت معلمان، جزء محدودیتهای اعمال شده در پژوهش است. حجم نمونه مطابق با جدول بارتلت برای داده‌های گسسته (با حاشیه خطای $p=0/50$ و $t=1/65$)، از روی جامعه پژوهش (۲۰۰۰ نفر) به تعداد ۲۳۹ نفر به‌دست آمده است (بارتلت، کوترلیک و هیگینز،^۱ ۲۰۰۱). روش تصادفی خوشه ای برای نمونه‌گیری انتخاب شده و نمونه‌های آماری جامعه در دسترس یعنی مناطق آموزشی شهر تهران تعیین شده است. ابتدا با رعایت اصل قرعه کشی تصادفی، منطقه آموزشی شش تهران به عنوان نمونه برگزیده شد؛ سپس به دلیل عدم کفایت شمار معلمان شرکت کننده در پژوهش، بار دیگر قرعه کشی انجام شد و منطقه ۲ آموزش و پرورش نیز به نمونه آماری اضافه شد. بنابراین پژوهشگران برای رعایت حجم نمونه تعیین شده، بیش از ۳۰۰ پرسشنامه را میان معلمان هر دو منطقه (ابتدا منطقه شش و سپس منطقه دو) با رعایت ضوابط و جلب رضایت مخاطبان، توزیع کردند و در نهایت به حجم تعیین شده برای نمونه آماری دست یافتند.

برای گردآوری داده‌ها ابتدا متغیرهای تحقیق به دو دسته جانبی (دموگرافیک) و اصلی تقسیم شدند. ابزار گردآوری شامل دو نوع پرسشنامه بود. در پرسشنامه اول (پرسشنامه آگاهی سنجی از نقشهای تربیتی) علاوه بر متغیرهای دموگرافیک یک سؤال باز (چه نقشهای تربیتی به عنوان یک معلم برای خود در نظر گرفته اید؟) برای دریافت نظرات معلمان از نقشهای تربیتی شان در نظر گرفته شد. روایی این پرسشنامه را چند تن از اساتید رشته علوم تربیتی ارزیابی کرده و سپس در میان ۸۰ نفر از معلمان زن دوره دوم متوسطه دخترانه مناطق ۲ و ۶ شهر تهران توزیع شد که از این تعداد فقط ۴۰ پرسشنامه تکمیل شده به دست محققان رسید (که همین تعداد کافی بود زیرا بیشتر پاسخها تکراری بود). سپس پرسشنامه‌ای که حاوی فهرستی از نقشهای تربیتی مستخرج از پرسشنامه مرحله اول بود، به منظور ابراز نظر معلمان درباره اهمیت نسبی و اولویت نقشهای تربیتی‌شان تهیه شد. روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه‌ها ارزیابی شد. روایی ظاهری برای حصول اطمینان از ظاهر مناسب پرسشنامه، تایپ خوانا (استفاده از فونت مناسب، فاصله میان خطوط)، تعداد مناسب سؤالات در هر صفحه، منطقی بودن سؤالات، نحوه نگارش و بهره‌گیری از جملات مناسب با هدف کلی پژوهش و روایی محتوایی نیز به منظور بررسی نظری محتوای سؤال (سؤالات) توسط اساتید انجام گرفت. داده‌های به دست آمده از پرسشنامه اول جمع بندی و در اختیار معلمان زن دوره دوم متوسطه دخترانه مناطق ۲ و ۶ شهر تهران قرار گرفت که پس از دستیابی به رقم ۲۳۹ مورد (حجم نمونه تعیین شده) استخراج داده‌ها آغاز شد. معلمان در زمینه میزان آگاهی و اهمیت نقشهای تربیتی، نظرات خودشان را در طیف پنج درجه‌ای لیکرت مشخص کردند. پایایی کل پرسشنامه دوم پس از توزیع و گردآوری به میزان $\alpha = 0.97$ محاسبه شد. در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز دو شیوه تحلیل کمی و کیفی به کار رفت.

یافته‌های تحقیق

نتایج تحلیل توصیفی متغیرهای دموگرافیک نشان می‌دهد که ۱/۸ درصد از معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران دارای مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم، ۸۵/۲ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و ۱۶ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس هستند. میانگین سن معلمان دوره دوم متوسطه دخترانه شهر تهران برابر ۴۱/۳۲ و میانگین سابقه آموزشی آنان برابر ۱۷/۸۱ است.

سؤال اول: نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران نسبت به نقشهای تربیتی خود

چیست؟

برای این منظور، ابتدا پرسشنامه ای با یک پرسش باز در اختیار معلمان قرار گرفت. از معلمان خواسته شد تا فهرستی از مهمترین نقشهای تربیتی خود را که (در زمان تدریس، تعامل با کادر مدیریتی و آموزشی مدرسه، اولیای دانش آموزان و ...) منجر به رشد و تکامل ابعاد تربیتی دانش آموزان می شود، بیان کنند. در پاسخ به این پرسش آنها بنا به تجربه شغلی و ادراک خود از نقشهای تربیتی، از یک تا ۳۷ مورد را برشمردند. مواردی که با عبارتها و تعابیری نزدیک به هم ذکر شده بودند در هم تلفیق و پس از استخراج با یک عنوان آورده شدند همچنین پاسخهای تکراری حذف شدند (جدول شماره ۱). این یافته ها نشان می دهند که معلمان، نقشهای تربیتی خود نسبت به دانش آموزان و محیط مدرسه را محدود به نقشهای پرورشی و رفتارهای اخلاقی ندانسته و به گستره ای از تواناییها، مهارتها و ویژگیهای معلم اشاره کرده اند.

سؤال دوم: میزان آگاهی و اولویت نقشهای تربیتی از دیدگاه معلمان زن دوره دوم متوسطه

شهر تهران چگونه است؟

در پاسخ به این سؤال، ابتدا از روش تحلیل عاملی (با توجه به مفروضه های^۱ آن)، بهره گرفته شد. با به کارگیری این شیوه چهار عامل اصلی از چرخش تحلیل عاملی استخراج شد. در واقع، نظرات معلمان از نقشهای تربیتی به طور خلاصه از چهار عامل (نقش اصلی) تشکیل شده است اما دشواری بعدی آن بود که برای هر عامل یا نقش اصلی که حاصل روابط درونی چندین نقش است، نامی انتخاب شود. از آنجایی که عوامل در نتیجه روابط درونی میان چندین گویه به دست می آید، پژوهشگران با مطالعه گویه های دارای روابط درونی، برای هر کدام نامی متناسب با مفاهیم درونی گویه ها انتخاب کردند.^۲ مثلاً «نقشهای هدایتگرانه» برای چندین نقش و به عنوان یک عامل، با ادبیات سند مبانی نظری تحول بنیادین درباره ویژگیها و صلاحیتهای حرفه ای معلمان مطابقت دارد. این عوامل همراه با نامهای منتخب عبارت اند از:

- نقشهای هدایتگرانه: گویه های ۳۷-۳۶-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۲-۱۹-۱۶ با

آلفای کرونباخ $\alpha=0.95$

۱. مفروضه اول (حداقل Missing کمتر از ۰/۰۲ در هر آزمودنی و در هر متغیر)، مفروضه دوم (حجم نمونه مکفی)، مفروضه سوم (حاصل شدن توزیع نرمال چند متغیری یا کرویت) و مفروضه چهارم (میزان اشتراک هر سؤال با کل آزمون بیش از ۰/۴) به دست آمده و تمامی این مفروضات، معرف انجام فرآیند تحلیل عاملی است.

۲. البته این نامگذاری نمی تواند جامع و کامل باشد، اما تلاش شد تا این کار به دقت انجام شود. برای مثال پژوهشگر ناگزیر می شد تا یک نقش را که نرم افزار آن را در یک دسته قرار داده بود اما مضمون آن با دسته دیگر هماهنگی داشت نادیده بگیرد.

- نقشهای آموزشی و اجرایی: گویه‌های ۲۰-۱۸-۱۳-۱۲-۱۱-۸-۷-۶-۵-۳-۲-۱ با آلفای کرونباخ $\alpha=0.93$

- نقشهای انگیزشی: گویه‌های ۱۷-۱۵-۱۴-۴ با آلفای کرونباخ $\alpha=0.82$

- نقشهای ارتباطی و خلاقانه: گویه‌ها ۳۰-۲۹-۲۸-۲۳-۲۱-۱۰-۹ با آلفای کرونباخ $\alpha=0.88$

جدول ۱. نقشهای تربیتی از دیدگاه معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران

نقشهای تربیتی	شماره	نقشهای تربیتی (ادامه)
۱ برقراری تعامل سازنده در اولین جلسه آشنایی با دانش آموزان	۱۹	مهارتهای مشاوره‌ای (مواجهه، ارجاع و پیگیری مشکلات دانش آموزان)
۲ آماده سازی دانش آموزان قبل از تدریس	۲۰	مهارتهای کلاس داری (ایجاد نظم، مسئولیت دهی و تقسیم وظایف، ثبت فعالیتهای کلاسی)
۳ مشخص کردن انتظارات خود از دانش آموزان	۲۱	مهارتهای ارتباط با اولیای دانش آموزان
۴ ایجاد فضای با نشاط در طول تدریس	۲۲	توانایی درک میزان انگیزش دانش آموزان و تقویت روحیه پرشگري و جستجوگری در آنها
۵ از میان بردن عوامل مخل و مزاحم در طول تدریس	۲۳	روحیه تعامل و همکاری با سایر معلمان و کارکنان مدرسه (مدیر، معاون مشاور و...) در برگزاری مراسم و شرکت در شورای دبیران
۶ بیان اهداف درس و ارزش گذاری بر آنها	۲۴	مهارت در حفظ آرامش و تسلط بر خود (خویشتنداری) و پرهیز از پیش داوری
۷ آشنایی، تدوین و تسلط بر نحوه اجرای طرح درس	۲۵	الگو بودن در (رفتار مؤدبانه، احترام، عیب پوشی، تحقیر نکردن، مقایسه نکردن، ایجاد عدالت، پرهیز از تبعیض، راز داری، وفای به عهد و صداقت و راستی)
۸ به کارگیری روشهای تدریس فعال و گروهی (با تأکید بر تعامل دانش آموزان با یکدیگر)	۲۶	تفهم مرزهای رابطه معلم- شاگرد
۹ اجرای الگوهای تدریس به نحوی جذاب (استفاده از وسایل کمک آموزشی، ایجاد فضای رقابتی، آموزش همتایان و فرصت ابراز وجود به دانش آموزان)	۲۷	آگاه ساختن دانش آموزان نسبت به رفتارهای ناشایست از طرق مختلف
۱۰ بیان کاربردهای مفاهیم درس با سایر دروس و زندگی	۲۸	موقعیت شناسی (زمانی و مکانی)
۱۱ تسلط بر محتوای آموزشی درس (به کارگیری واژه‌های قابل فهم و به کار بردن مثالهای عینی)	۲۹	اعتماد کردن و جرأت بخشیدن به دانش آموزان
۱۲ رسیدگی به تکالیف دانش آموزان، طراحی سؤال های مناسب و برگزاری امتحان در زمان مناسب	۳۰	علاقه‌مندی به مطالعه و دانش افزایی
۱۳ تلاش در جهت تقویت نقاط ضعف دانش آموزان با تکرار و تمرین	۳۱	توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان
۱۴ انگیزه دادن به دانش آموزان (از طریق تشویقهای کلامی: مثل جلوه‌گر ساختن تواناییها، خلاقیتها و مهارتها) و در صورت نیاز اعمال تنبیه‌های مناسب	۳۲	پرورش روحیه انتقادپذیری

۱۵	القای افکار مثبت (به تصویر کشیدن آینده، امید بخشی و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در دانش آموزان)	۳۳	داشتن ظاهری شایسته و آراسته
۱۶	مهارت‌های ارتباط کلامی (همدلی، صمیمت، خوش زبانی و ...)	۳۴	استعدادیابی و هدایت استعدادها
۱۷	مهارت‌های ارتباط غیر کلامی (اشاره کردن، اخم کردن، لیختن زدن و ...)	۳۵	کمک به ثبات رفتاری و اخلاقی دانش آموزان
۱۸	مهارت‌های شنیدن	۳۶	اقتدار و جدیت در رسیدن به اهداف تربیتی
		۳۷	انعطاف پذیری در اجرای جزئیات فعالیتها

پس از آن، به منظور اولویت بندی چهار نقش اصلی، از میانگین تجربی حاصل از امتیازات تمامی گویه‌های ذیل یک عامل، استفاده شد. به این ترتیب مشخص شد که احتمالاً معلمان برای مهم‌ترین نقشهای تربیتی خود، ترتیبی قائل هستند که در جدول شماره ۲ آورده شده است. همچنین با همین تکنیک خرده نقشهای ذیل هر عامل یا نقش اصلی نیز در جدول آورده شده است. ملاک اولویت بندی نقشها استفاده از مقدار میانگین تجربی^۱ هر یک از نقشها است. اگرچه از نظر آماری ممکن است میان میانگینهای تجربی حاصل از خرده مقیاسهای هریک از عاملهای مذکور اختلاف معنادار وجود نداشته باشد، اما میانگینهای تجربی موجود اذعان به این رتبه بندی را موجه می‌سازد. بنابراین می‌توان از آنها به عنوان ملاکهایی برای رتبه بندی خرده نقشها استفاده کرد.

در گام سوم با استفاده از شاخص آماری t تک نمونه ای و محاسبه میانگین نظری و تجربی، میزان آگاهی معلمان به دست آمد. با تأکید بر میزان t به دست آمده، مطرح می‌شود که از لحاظ آماری تفاوتی معنادار در سطح $\alpha = 0/001$ میان میانگین نظری با میانگین تجربی وجود دارد. با توجه به اینکه میانگین تجربی پایین‌تر از میانگین نظری است، نتیجه گرفته می‌شود که آگاهی معلمان نسبت به نقشهای تربیتی‌شان پایین‌تر از حد متوسط است (جدول شماره ۲). یکی از یافته‌های مهم این پژوهش همین مورد مذکور است. با توجه به اینکه نقشهای تربیتی پیشنهادی را همه معلمان ارائه داده اند، طبیعی است که همه آنها بر وجود چنین نقش یا نقشهایی آگاهی نداشته باشند، چراکه هر کدام بخشی از این فهرست را تکمیل کرده اند. بنابراین رقم میانگین تجربی کل با عدد ۱/۵۵ گویای همین مسئله است.

۱. توضیح اینکه ابتدا میانگین نظری که یک عدد ثابت است محاسبه می‌شود. این مقدار برای هر گویه بر اساس جمع امتیازات ۱ تا ۵ مقیاس لیکرت و تقسیم آن بر تعداد مقیاسها ۱۵/۵ برابر ۳ می‌باشد. برای نمونه نقش تربیتی «القای افکار مثبت و انگیزه دادن» دارای میانگین تجربی ۱،۴۷ است که کمتر از میانگین تجربی نقش تربیتی «آموزش و اجرای الگوی تدریس» به میزان ۱،۶۱ می‌باشد و بنابراین در اولویت بعدی قرار می‌گیرد.

سؤال سوم: آیا نظرات معلمان در خصوص نقشهای تربیتی با انتظارات سند برنامه درسی ملی از نقشهای تربیتی معلم همپوشانی دارد؟

این سؤال برای تعیین میزان همپوشانی میان نظرات معلمان درباره نقشهای تربیتی با ملاکها و مصادیق بیان شده در سند برنامه درسی ملی و از جمله بند ۴-۳ اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی برنامه درسی ملی پیرامون نقشهای معلم است. از این رو ابتدا عبارتهایی که به طور مستقیم در سند برنامه درسی ملی به نقشهای تربیتی معلم اشاره کرده است، استخراج شده و در قالب چهار دسته، نقشهای تربیتی و اخلاقانه، نقشهای آموزشی و پژوهشگری، نقشهای ارتباطی و نقشهای هدایتگرانه و اخلاقی طبقه‌بندی و در جدول شماره ۳ آورده شده است. سپس نقشهای تربیتی از دیدگاه معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران، (جدول شماره ۱) با توجه به میزان همپوشانی مفهومی چه به صورت آشکار (صوری) در قالب مشاهده واژه‌ها و عبارتها و چه به صورت پنهان در قالب درک و استنباط (تأملی) انتخاب و در جدول شماره ۳ روبه روی دسته‌بندی چهارگانه نقشهای تربیتی برآمده از سند برنامه درسی ملی (البته لزوماً نه به شکل تناظر یک به یک) قرار گرفته است. به منظور بالا بردن میزان دقت در تعیین میزان همپوشانی از نظرات چند تن از متخصصان تعلیم و تربیت و برای محاسبه میزان همپوشانی خرده نقشهای تربیتی سند برنامه با خرده نقشها از دیدگاه معلمان، از شمارش فراوانی و درصد بهره‌گیری شده است. اگرچه نمی‌توان به دقت نشان داد که کدام خرده نقش ابراز شده از سوی معلمان با کدام خرده نقش سند همپوشانی بیشتری دارد اما یافته‌ها نشان می‌دهند که :

۱. به ازای ۸ خرده نقش تربیتی برنامه درسی ملی در نقشهای هدایتگرانه و اخلاقی، ۹ خرده نقش تربیتی مرتبط با دیدگاه معلمان وجود دارد. این برآورد کمی نشان می‌دهد که همپوشانی کاملی میان دو مقوله فوق وجود دارد.

۲. به ازای ۱۲ خرده نقش تربیتی برنامه درسی ملی در نقشهای آموزشی و پژوهشگری، ۱۲ خرده نقش تربیتی مرتبط با دیدگاه معلمان وجود دارد. این برآورد کمی نشان می‌دهد که همپوشانی کاملی میان دو مقوله فوق وجود دارد.

۳. به ازای ۷ خرده نقش تربیتی برنامه درسی ملی در نقشهای تربیتی و اخلاقانه، ۲ خرده نقش تربیتی مرتبط با دیدگاه معلمان وجود دارد. لذا خرده نقشهای ابراز شده از سوی معلمان فقط ۴۳ درصد از نقشهای تربیتی و اخلاقانه برنامه درسی ملی را پوشش می‌دهد. بنابراین همپوشانی نه تنها کامل نیست بلکه کمتر از میانگین است.

۴. به ازای ۸ خرده نقش تربیتی برنامه درسی ملی در نقشهای ارتباطی، ۱۳ خرده نقش از دیدگاه معلمان وجود دارد. این برآورد کمی نشان می دهد که همپوشانی کاملی میان دو مقوله فوق وجود دارد.

جدول ۲. میزان آگاهی و اولویت نقشهای تربیتی از نظر معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران (سطح معناداری ۰/۰۰۱)

رتبه نقش	عنوان نقش	میانگین تجربی	میانگین نظری	خرده نقشها	رتبه خرده نقش
نقش اول	نقشهای ارتباطی و خلاقانه	۱,۶۶ (میزان ۲۲,۰۴ - و درجه آزادی ۱۱۵)	۳	مهارتهای ارتباط با اولیای دانش آموزان	اول
				بیان کاربردهای مفاهیم درس با سایر دروس و زندگی	دوم
				روحیه تعامل و همکاری با سایر کارکنان مدرسه (معلمان، مدیر، معاون)	سوم
				اجرای الگوهای تدریس به نحوی جذاب (استفاده از وسایل کمک آموزشی و ...)	
			۳	موقعیت شناسی (زمانی و مکانی)	چهارم
				اعتماد کردن و جرأت بخشیدن به دانش آموزان	
				علاقه مندی به مطالعه و دانش افزایی	
نقش دوم	نقشهای آموزشی و اجرایی	۱,۶۱ (میزان ۲۲,۵۸ - و درجه آزادی ۱۱۴)	۳	به کار گیری روشهای تدریس فعال و گروهی	اول
				تلاش در جهت تقویت نقاط ضعف دانش آموزان با تکرار و تمرین	
			۳	رسیدگی به تکالیف، طراحی سؤالات مناسب و برگزاری امتحان	دوم
				نحوه برگزاری اولین جلسه آشنایی معلم با دانش آموزان	سوم
				آماده سازی دانش آموزان قبل از تدریس	
				از میان بردن عوامل مغل و مزاحم در طول تدریس	
				مشخص کردن انتظارات خود از دانش آموزان	
			۳	آشنایی، تدوین و تسلط بر نحوه اجرای طرح درس	چهارم
				بیان اهداف درس و ارزش گذاری بر آنها	
				مهارتهای شنیدن	
				مهارتهای کلاس داری (ایجاد نظم، مسئولیت دهی و تقسیم وظایف)	پنجم
				تسلط بر محتوای آموزشی درس	

اول	مهارتهای ارتباط غیرکلامی	۳	۱,۴۷ (میزان t) ۲۵,۰۴ - و درجه آزادی (۱۲۰)	نقشهای انگیزشی	نقش سوم
	ایجاد فضای با نشاط در طول تدریس				
دوم	انگیزه دادن به دانش آموزان و در صورت نیاز اعمال تنبیههای مناسب				
سوم	القای افکار مثبت (امید بخشی و افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در دانش آموزان)				
اول	توانایی درک میزان انگیزش دانش آموزان، تقویت روحیه پرسشگری و جستجوگری در آنها	۳	۱,۴۶ (میزان t) ۲۶,۹۸ - و درجه آزادی (۱۱۸)	نقشهای هدایتگرانه	نقش چهارم
	مهارتهای مشاوره‌ای				
	استعدادیابی و هدایت استعدادها				
	انعطاف پذیری در اجرای جزئیات فعالیتهای				
دوم	تفهمی مرزهای رابطه معلم- شاگرد				
	توجه به تفاوت‌های فردی دانش آموزان				
سوم	اقتدار و جدیت در رسیدن به اهداف تربیتی				
	آگاه ساختن دانش آموزان نسبت به رفتارهای ناشایست از طرق مختلف				
	ثبات رفتاری و اخلاقی				
	داشتن ظاهری شایسته و آراسته				
چهارم	مهارت در حفظ آرامش و تسلط بر خود (خویشننداری) و پرهیز از پیش داوری				
	مهارتهای ارتباط کلامی (همدلی، صمیمیت، خوش زبانی و ...)				
پنجم	الگو بودن در (رفتار مؤدبانه، غیب پوشی، تحقیر نکردن، مقایسه نکردن، ایجاد عدالت، پرهیز از تبعیض، وفای به عهد و صداقت و راستی)				
	پرورش روحیه انتقادپذیری				
		۳	۱/۵۵ (میزان t) ۲۴- و درجه آزادی (۱۰۴)	کل نقشها	

جدول ۳. همپوشانی نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه از نقشهای تربیتی با انتظارات سند برنامه درسی ملی

عنوان نقش تربیتی برنامه درسی ملی	خرده نقشهای تربیتی برنامه درسی ملی		خرده نقشها از دیدگاه معلمان		همپوشانی (درصد)
نقشهای هدایتگرانه و اخلاقی	- توجه به ارزشهای اسلامی و اخلاقی - پرورش ارزشهای فطری - توجه به شأن و کرامت انسانی دانش آموزان - تقویت هویت ملی - پرورش ساختهای وجودی انسان - رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی - الگوسازی ایمانی و اخلاقی - مراقبت عاطفی و اخلاقی		- الگو بودن در (رفتار مؤدبانه، احترام، عیب پوشی، تحقیر نکردن، مقایسه نکردن، پرهیز از تبعیض، راز داری، وفای به عهد و صداقت) - اعتماد کردن و جرأت بخشیدن به دانش آموزان - داشتن ظاهری شایسته و آراسته - ثبات رفتاری و اخلاقی - مهارت در حفظ آرامش و تسلط بر خود (خویشتنداری) و پرهیز از پیش داوری - انعطاف پذیری در اجرای جزئیات فعالیتها - پرورش روحیه انتقادپذیری - تفهیم مرزهای رابطه معلم- شاگرد - آگاه ساختن دانش آموزان نسبت به رفتارهای ناشایست از طرق مختلف		
	فراوانی ۸	%۱۰۰	فراوانی ۹	%۱۰۰	%۱۰۰
نقشهای آموزشی و پژوهشگری	- توانایی در طراحی برنامه درسی - دانش محتوایی و حرفه ای - فعال سازی یادگیرنده در فرآیند یادگیری - غنی سازی محیط یادگیری - توجه به ظرفیت یادگیرنده - توجه به تفاوتهای فردی - رشد مهارتهای فرآیند تفکر - توانایی در تلفیق دانشهای جدید با تجربیات قبلی دانش آموز - بهره گیری از روشهای متنوع تدریس - تاکید بر کار گروهی و فعالیت جمعی - توانایی به کارگیری وسایل کمک آموزشی - تلاش در ارتقای صلاحیت حرفه ای		- آشنایی، تدوین و تسلط بر نحوه اجرای طرح درس - تسلط بر محتوای آموزشی درس (به کار گیری واژه های قابل فهم و به کار بردن مثالهای عینی) - اقتدار و جدیت در رسیدن به اهداف تربیتی - مهارتهای مشاوره ای (مواجهه، ارجاع و پیگیری مشکلات دانش آموزان) - به کار گیری روشهای تدریس فعال و گروهی (با تاکید بر تعامل دانش آموزان با یکدیگر) - تلاش در جهت تقویت نقاط ضعف دانش آموزان با تکرار و تمرین - رسیدگی به تکالیف دانش آموزان، طراحی سؤالات مناسب و برگزاری امتحان در زمان مناسب - توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان - بیان اهداف درس و ارزش گذاری بر آنها - بیان کاربردهای مفاهیم درس با سایر دروس و زندگی - اجرای الگوهای تدریس به نحوی جذاب (استفاده از وسایل کمک آموزشی، ایجاد فضای رقابتی، آموزش همتایان و فرصت ابراز وجود به دانش آموزان) - علاقه مندی به مطالعه و دانش افزایی		

فراوانی و درصد	فراوانی ۱۲	%۱۰۰	فراوانی ۱۲	%۱۰۰	%۱۰۰
نقشهای تربیتی و خلاقانه	توانایی در خلق فرصتهای تربیتی بهره گیری از روشهای خلاق تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری طراحی فرصتهای برای تولید علم مهارت در پرورش تفکر خلاق توانایی در پرورش استعداد یادگیرنده ابتکار و نوآوری در تدریس	%۱۰۰	فراوانی ۱۲	%۴۳	۴۳ درصد
نقشهای ارتباطی	مهارت کلاس داری توانایی برقراری رفتار دوستانه با دانش آموز شناخت موقعیت یادگیرنده مهارت در تعامل مؤثر با همکاران، مدیر مدرسه و خانوادهها برخورداری از روحیه انعطاف و سعه صدر توانایی انگیزه دادن به دانش آموز ایجاد محیط شاد روحیه مشارکت پذیری	%۱۰۰	فراوانی ۱۳	%۳۷	۳۷ درصد
فراوانی و درصد	فراوانی ۷	%۱۰۰	فراوانی ۱۳	%۳۷	۳۷ درصد
فراوانی و درصد کل	۳۵	%۱۰۰	میانگین همپوشانی	%۸۵	۸۵ درصد

بحث و نتیجه گیری

در این بخش، نخست با توجه به نتایج به دست آمده به پرسشهای پژوهش پاسخ داده می شود، سپس یافته های پژوهش با توجه به مبانی نظری تحول و همچنین یافته های حاصل از تحقیقات مشابه مورد بحث و بررسی قرار می گیرند.

سؤال اول: نظرات معلمان زن دوره دوم متوسطه آموزش و پرورش شهر تهران نسبت به

نقشهای تربیتی خود چیست؟

مهم‌ترین یافته، حاصل پاسخ به این پرسش است که معلمان کلاس درس، نقشهای تربیتی خود را محدود به نقشهای پرورشی و رفتارهای اخلاقی ندانسته و به گستره ای از نقشهای ارتباطی، آموزشی و اجرایی، انگیزشی و هدایتی اشاره کرده اند. این یافته نشان می‌دهد که نظرات معلمان دارای ابعاد چندگانه است. از دید معلمان زن دوره دوم متوسطه شهر تهران نقشهای تربیتی شامل ۳۷ نقش است که در قالب گویه‌های (وظایف، شایستگیها و حتی صفات) متفاوت بیان شده است. نکته قابل توجه آنکه این ۳۷ نقش از مجموع نظرات مکتوب همه معلمان به دست آمده است و نه از نظر تک تک آنها. این یافته با نظریات و نتایج حاصل از پژوهشهای پایدار (۱۳۸۰)، درخشان (۱۳۸۱)، نوالی (۱۳۸۲)، فرهادیان (۱۳۸۲)، احمدی (۱۳۸۲)، ملکی (۱۳۷۳)، کریمی (۱۳۸۴) و رهنما (۱۳۸۳) همسو است. این یافته نشان می‌دهد که اگرچه همخوانی بسیار میان یافته‌های این تحقیق و تحقیقات مذکور وجود ندارد، اما می‌توان شباهتهایی در میان یافته‌ها مشاهده کرد. نکته مهم در این یافته آن است که معلمان نتوانسته اند مطابق با مبانی نظری میان مفهوم نقش، وظایف، شایستگیها و صفات تفاوت قائل شوند. حیدری (۱۳۸۹) نیز به همین نتایج دست یافته است.

سؤال دوم: میزان آگاهی و اولویت نقشهای تربیتی از منظر معلمان زن دوره دوم متوسطه

چگونه است؟

با توجه به اینکه در همه عوامل فرعی (مؤلفه‌ها) چهار عامل اصلی نقشهای ارتباطی و خلاقانه؛ نقشهای آموزشی و اجرایی؛ نقشهای انگیزشی؛ و نقشهای هدایتگرانه، میانگینهای تجربی به دست آمده پایین‌تر از میانگین نظری (حد مطلوب) هستند، می‌توان اظهار کرد که آگاهی معلمان، نسبت به چهار عامل فوق پایین‌تر از حد متوسط است. به عبارت دیگر از نظر آماری قریب به اتفاق معلمان درباره عوامل استخراج شده آگاهی ندارند یا نسبت به آنها مردد هستند. اما با توجه به اینکه خرده مقیاسهای ذیل عوامل مذکور حاصل نظرات کلی آنها است، می‌توان گفت که معلمان نسبت به ایفای نقش تربیتی خود آگاهی کافی ندارند. نظر به اینکه نظام تعلیم و تربیت مقوله ای پیچیده و دارای ابعادی بسیار گسترده است، برداشت و سطح آگاهی معلمان و مربیان آموزش و پرورش از این مقوله ممکن است بسیار متفاوت باشد و بر فرآیند کلی تعلیم و تربیت تاثیر بگذارد. بخشی از پیچیدگی موضوع را می‌توان در دو برداشت متفاوت از مفهوم «تعلیم» و «تربیت» در فرهنگ خودمان جستجو کرد (مفیدی، ۱۳۸۲). همچنین میان تحقیقات انجام شده پایدار (۱۳۸۰)، ملکی

(۱۳۷۳)، درخشان (۱۳۸۱)، نوالی (۱۳۸۲)، فرهادیان (۱۳۸۲)، احمدی (۱۳۸۲)، رهنما (۱۳۸۳) و حیدری (۱۳۸۹) و تحقیق حاضر از نظر روش شناسی و نیز به کارگیری روش آماری (تحلیل عاملی) تفاوت بسیار وجود دارد و به همین دلیل نتایج این پژوهش از اعتبار علمی بیشتری برخوردار است و به یافته‌های آن بیشتر می‌توان اطمینان کرد.

بر اساس یافته‌های تحقیق و نظرات معلمان، این ۳۷ نقش تربیتی را می‌توان به چهار گروه و با اولویت‌های زیر تقسیم بندی کرد: ۱. نقش‌های ارتباطی و خلاقانه، ۲. نقش‌های آموزشی و اجرایی ۳. نقش‌های انگیزشی، ۴. نقش‌های هدایت‌گرانه. همچنین اسامی انتخاب شده برای هر یک از گروه‌ها بر اساس ویژگی‌های گویه‌های (خرده مقیاس‌های) زیر مجموعه هر یک از آنها بوده که با تحلیل عامل صورت گرفته است.

در گروه اول: نقش‌های ارتباطی و خلاقانه، سه خرده مقیاس مهارت در ارتباط با اولیای دانش آموزان با میانگین تجربی ۱,۸۷ در اولویت اول، بیان کاربرد مفاهیم دروس در زندگی با میانگین تجربی ۱,۷۲ در اولویت دوم و روحیه تعامل و همکاری با سایر کارکنان مدرسه با میانگین تجربی ۱,۶۵ در اولویت سوم قرار دارد. این خرده مقیاس‌های گروه اول بیش از سایر خرده مقیاس‌ها برای معلمان در ایفای نقش تربیتی‌شان اهمیت دارند. اچسون (۱۳۸۵)، بندانی (۱۳۸۵)، غلامی (۱۳۸۷) و حیدری فر (۱۳۹۰). هلیسون^۱ (۱۹۹۵) وجه مهم مدیریت کلاس درس را روش‌های ارتباطی معلم برای مواجه شدن با دانش آموزان بی انضباط می‌داند. بی انضباطی‌ها شامل تأخیر در ورود، تعجیل در خروج، نیاوردن وسایل و کتاب‌های لازم به کلاس، بی توجهی، حرف زدن بی مورد، ایجاد سر و صدای بلند و پرخاشگری کلامی و بدنی هستند. معلمان با مهارت‌های ارتباطی خلاق و مؤثر با بی انضباطی دانش آموزان برخورد می‌کنند، اما آنان به صورتی مغایر با معلمان نامؤثر بدان می‌پردازند. از این رو می‌توان آن را همسو با نظرات معلمان شهر تهران در ایفای نقش تربیتی شان دانست.

در گروه دوم: نقش‌های آموزشی و اجرایی، سه خرده مقیاس به کارگیری روش‌های تدریس فعال و گروهی با میانگین تجربی ۱,۸۳ و تلاش در جهت تقویت نقاط ضعف دانش آموزان با تکرار و تمرین با میانگین تجربی ۱,۷۷ در اولویت اول و رسیدگی به تکالیف، طراحی سؤال‌های مناسب و برگزاری امتحان در زمان مناسب با میانگین تجربی ۱,۷۴ در اولویت دوم قرار دارد. این خرده مقیاس‌ها در گروه دوم برای معلمان در ایفای نقش تربیتی شان اهمیت دارند.

1. Hellison

در گروه سوم: نقشهای انگیزشی، دو خرده مقیاس مهارتهای ارتباط غیرکلامی (اشاره کردن، اخم کردن، لبخند زدن و ...) با میانگین تجربی ۱,۵۴ و ایجاد فضای با نشاط در طول تدریس با میانگین تجربی ۱,۵۵ در اولویت اول قرار دارد و بیش از سایر خرده مقیاسها در گروه سوم برای معلمان در ایفای نقش تربیتی‌شان اهمیت دارند (دو خرده مقیاس بعدی با میانگین تجربی پایین ارزش تحلیل نداشتند). خرده مقیاس مهارتهای ارتباط غیرکلامی (اشاره کردن، اخم کردن، لبخند زدن و ...) آنچنان با نقشهای انگیزشی ارتباط ندارند، اما در تحلیل عاملی در این گروه قرار گرفته اند. این موضوع احتمالاً ناشی از بی دقتی و یا درک ناقص معلمان از گویه‌ها بوده است. با وجود ارزش عددی پایین میانگین تجربی دو خرده مقیاس انگیزه دادن به دانش آموزان و در صورت نیاز اعمال تنبیه‌های مناسب و القای افکار مثبت (امیدبخشی و افزایش خود باوری و اعتماد به نفس در دانش آموزان)، این دو خرده مقیاس ارتباط مفهومی بالایی با نقشهای انگیزشی دارند. همچنین بسیاری از تحقیقات گویای آن هستند که نگرش دانش آموزان به درس که به طور نمونه با بیان کاربردهای درس در زندگی بهبود پیدا می‌کند جزء عوامل انگیزشی محسوب می‌شود. اما آفازاده، (۱۳۸۲)، گینات (۱۳۸۳)، ابراهیمی (۱۳۸۳) و حیدری‌فر (۱۳۹۰)، در تحلیل عامل انجام شده، تأثیر نگرش معلمان به نقشهای تربیتی‌شان بر انگیزش دانش آموزان به یادگیری را مورد تأکید قرار داده‌اند. به هر حال مبانی نظری تحول بر نقش مؤثر معلم در انگیزش دادن و القاء افکار مثبت تأکید دارد، اما ممکن است خرده مقیاسهای بیان شده در مبانی نظری با آنچه در این پژوهش استخراج شده است یکی نباشد.

در گروه چهارم: نقشهای هدایتگرانه، سه خرده مقیاس توانایی درک میزان انگیزش دانش آموزان، تقویت روحیه پرسشگری و جستجوگری در آنها (با میانگین تجربی ۰/۶۲)، مهارتهای مشاوره‌ای (مواجهه، ارجاع و پیگیری مشکلات دانش آموزان، با میانگین تجربی ۱/۶۰) و استعدادیابی و هدایت استعدادها (با میانگین تجربی ۱/۵۶)، انعطاف پذیری در اجرای جزئیات فعالیتها و انتقادپذیری (هر دو با میانگین تجربی ۱/۵۴)، در اولویت اول قراردارند. تفهیم مرزهای رابطه معلم- شاگرد (با میانگین تجربی ۱/۴۸) و توجه به تفاوتهای فردی دانش آموزان (با میانگین تجربی ۱/۴۶) در اولویت دوم و اقتدار و جدیت در رسیدن به اهداف تربیتی (با میانگین تجربی ۱/۴۵)، آگاه ساختن دانش آموزان نسبت به رفتارهای ناشایست به روشهای گوناگون (با میانگین تجربی ۱/۴۳)، ثبات رفتاری و اخلاقی (با میانگین تجربی ۱/۴۱)، داشتن ظاهری شایسته و آراسته (با میانگین تجربی ۱/۴۱) با قرار گرفتن در اولویت سوم، بیش از سایر خرده مقیاسها برای معلمان

در ایفای نقش هدایتگری‌شان حائز اهمیت هستند. البته جامعه تحقیق به تواناییها، مهارتها و ویژگیهای دیگری برای معلم اشاره کرده اند که از نظر پژوهشگران بسیار دقیق تر از فهرست ارائه شده است. فهرست ارائه شده از سوی جامعه تحقیق با ویژگیهایی که اچسون (۱۳۸۵) و هلیسون (۱۹۹۵) بندانی (۱۳۸۵)، غلامی (۱۳۸۷) و حیدری‌فر (۱۳۹۰) اشاره کرده اند تقریباً تطابق دارد.

سؤال سوم: آیا نظرات معلمان در خصوص نقشهای تربیتی با انتظارات سند برنامه درسی ملی از نقشهای تربیتی معلم همپوشانی دارد؟

بیان چند نکته مهم در اینجا لازم است که در واقع اشاره به محدودیتهای خارج از کنترل پژوهشگران دارند: اول آنکه نقشهای استخراج شده از سند برنامه درسی بیان کلی دارند در حالی که نقشهای اشاره شده از سوی معلمان مصداقی هستند. دوم آنکه نقشهای اشاره شده از سوی معلمان به شکل مشروح و حاصل مجموع نظرات همه معلمان داوطلب شرکت در مرحله نخست تحقیق بوده است و نظر تک تک آنها نیست. سوم اینکه در مرحله دوم که معلمان نسبت به اهمیت اولویت نقشها در مقیاس لیکرت ابراز نظر کردند، احتمالاً بی دقتی‌هایی صورت گرفته است. بنابراین اگرچه با توجه به داده‌های جدول میزان همپوشانی میان اظهارات معلمان در مورد نقشهای تربیتی خودشان با انتظارات سند برنامه درسی ملی در حد ۸۵ درصد است یا به عبارتی فرضیه مخالف مورد تایید قرار گرفت، اما با توجه به دلایل فوق نسبت به این نتایج باید با احتیاط برخورد کرد.

• خرده نقشهای نقش هدایتگرانه و اخلاقی کاملاً با خرده نقشهای به دست آمده از نظرات معلمان (جدول شماره ۱) همپوشانی دارد. اما نباید فراموش کرد که این همپوشانی کمی و صرفاً بر اساس شمارش فراوانی نقشها صورت گرفته است. مثلاً برخی از معلمان به هیچ صورت به خرده نقش تقویت هویت ملی اشاره نکرده اند.

• خرده نقشهای نقش آموزشی و پژوهشگری کاملاً با خرده نقشهای به دست آمده از نظرات معلمان (جدول شماره ۱) همپوشانی دارند. با توجه به اینکه معلمان نقش خود را بیشتر آموزشی و اجرایی می دانند، تعجبی ندارد چنانچه این نتیجه به دست آمده باشد. با وجود این در خرده نقشهایی که معلمان به آنها اشاره کرده اند جای رشد مهارتهای فرآیند تفکر که یک خرده نقش پژوهشگری است خالی به نظر می‌رسد.

• خرده نقشهای نقش تربیتی و خلاقانه دارای همپوشانی ضعیفی با خرده نقشهای به دست آمده از نظرات معلمان (جدول شماره ۱) است. توانایی در خلق فرصتهای تربیتی،

بهره‌گیری از روشهای خلاق، تقویت روحیه پرسشگری و پژوهشگری، طراحی فرصتهایی برای تولید علم، مهارت در پرورش تفکر خلاق و ابتکار و نوآوری در تدریس نمونه ای از خرده نقشههایی هستند که معلمان به آنها توجه نکرده اند. این موضوع نشان می‌دهد که معلمان نسبت به آنها آگاهی و تجربه کمی دارند. همان‌گونه که گفته شد معلمان دروس نظری در ایفای نقشهای تربیتی و اخلاقانه تجربه کمی دارند. این یکی از آسیبهای نظام تعلیم و تربیت کشور ماست.

● خرده نقشهای نقش ارتباطی کاملاً با خرده نقشهای به دست آمده از نظرات معلمان (جدول شماره ۱) همپوشانی دارند. با نگاهی به خرده نقشهای اشاره شده از سوی معلمان که با نقشهای ارتباطی نزدیکی مفهومی دارند متوجه می‌شویم که معلمان کاملاً به اهمیت و وظیفه ارتباطی خود آگاه هستند و موفقیت خود را در هدایت کلاس درس و بهبود روند آموزش در رشد مهارتهای ارتباطی می‌دانند. از این‌رو نه تنها به آن آگاهی دارند بلکه به خوبی آن را تجربه کرده اند.

جمع بندی یافته‌ها و پیشنهادها

یافته‌های این تحقیق حاصل دو بخش مجزا است. اولی حاصل پاسخ به سؤال اول بود که در این زمینه اطلاعات دست اول و به دور از سوگیری در قالب ۳۷ نقش یا خرده نقش تربیتی به دست آمده است. یافته مهم دیگر اینکه معلمان در کل آگاهی یا احتمالاً توافق کمی نسبت به نقشهای تربیتی خودشان دارند که دلیل آن، کمتر از متوسط بودن میانگین تجربی کل (۱/۵۵) در مقایسه با میانگین نظری (۳) است. دومی برخاسته از کنار هم نهادن خرده نقشهای تربیتی سند برنامه درسی ملی و خرده نقشهای تربیتی ارائه شده از سوی معلمان است. این عمل نشان می‌دهد که معلمان درباره نقش تربیتی و اخلاقانه آگاهی و شناخت لازم ندارند. اما نسبت به سایر نقشها از آگاهی کافی برخوردارند.

در مجموع به منظور ایجاد وحدت فکری و درکی واحد از مهم‌ترین مفاهیم نظری و عملی در ایفای نقش تربیتی معلم که همانا تحقق بخشیدن به حیات طیبه است، پیشنهاد می‌شود که با سازوکارهای قانونمند نسبت به دوره‌های آموزشی بدو خدمت و ضمن خدمت به صورت حضوری و غیرحضوری در زمینه مفاهیم نقش، وظایف، شایستگیهای عام و خاص (پایه و ویژه) و صفات معلم در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی برنامه‌ریزی شود. همچنین ضرورت دارد با توجه به اهمیت خرده نقشهای تربیتی و اخلاقانه در تکامل عقلانی و اجتماعی دانش آموزان که

کمتر از سوی معلمان تجربه می‌شود آسیب شناسی جدی به عمل آید تا دلایل آن روشن شود. به علاقه‌مندان و پژوهشگران پیشنهاد می‌شود ضمن تکرار این پژوهش در مناطق آموزشی دیگر و با شرکت دادن معلمان دروس گوناگون، به طراحی تحقیقاتی پیرامون برداشتهای متفاوت از نقش تربیتی میان معلمان و مدیران و برنامه‌ریزان بپردازند.

منابع

- آقازاده، محرم. (۱۳۸۲). تأثیر نگرشهای معلمان بر رفتار کلاسی دانش‌آموزان. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- آل اسحاق، محمد. (۱۳۸۲). نقش تربیتی معلم. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ابراهیمی، طاهره. (بهمن ۱۳۸۳). خواندنیها: خودت را در آلبوم عکس کودکی‌ها پیدا کن (آیا به انگیزه خود برای حضور در کلاس اندیشیده ایم). رشد معلم، (۱۸۹)، ۱۶-۱۷.
- اچسون، کیت. ا. (۱۳۸۵). نظارت، راهنمایی تعلیماتی، (ترجمه محمدرضا بهرنگی). تهران: کمال تربیت.
- احمدی، احمد. (۱۳۸۲). نقش معلم در ساخت شخصیتی دانش‌آموزان. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- بندانی، کریم. (۱۳۸۵). معلم خلاق. روزنامه جام جم، شماره ۱۲۵۲، ۱۳۸۵/۲/۲۲.
- پایدار، محمد. (۱۳۸۰). نقش ویژگیهای مختلف شخصیت معلم و چگونگی ارتباط آن با نیازهای روانی دانش‌آموزان و تأثیر این دو بر یکدیگر. مجموعه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حیدری، افسانه. (۱۳۸۹). نقش معلم به نقش الگوی او محدود نمی‌شود. بازایی از www.kyhannews.ir در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۳۰.
- حیدری‌فر، امید. (۱۳۹۰). شیوه‌های مدیریت کلاس و مهارت‌های ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان. بازایی از www.modirit.persianblog.ir در تاریخ ۹۲/۵/۲۰.
- درخشان، حسن. (۱۳۸۱). بررسی نقش دانش، مهارت و ویژگیهای معلم مطلوب در تحقق اهداف تربیتی نظام آموزش و پرورش. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- رهنما، اکبر. (۱۳۸۳). بررسی راهبردها و راهکارهای تعمیم‌پذیری امر تربیت در آموزش عمومی. دو ماهنامه علمی - پژوهشی دانشگاه شاهد، ۱۱ (۶)، ۱-۱۶.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۶). روشهای تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شورای عالی وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۸۸). مجموعه مصوبات شورای عالی وزارت آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- غلامی، مجید. (۱۳۸۷). چگونه کلاس درس را اداره و کنترل کنیم؟. بازایی شده از www.shaparakdaily.ir در تاریخ ۹۲/۵/۲۵.
- فرهادیان، رضا. (۱۳۸۲). صلاحیت‌ها و ویژگیهای معلم مطلوب از دیدگاه اسلام. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- کریمی، ولی الله. (۱۳۸۴). بررسی میزان توقعات تربیتی از مدیران مدارس در مقایسه با توقعات اداری مالی و اجرایی. مجموعه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم، جلد دوم)، تهران: معاونت پرورشی، وزارت آموزش و پرورش.

- گینات، هایم. (۱۳۸۳). *روابط معلم و دانش آموز*، (ترجمه سیاوش سرتیپی). تهران: فاخته.
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). شورای عالی آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- محسن پور، بهرام. (۱۳۸۲). نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۱۸ و ۱۹ (۷۳)، ۸۹-۱۰۰.
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۲). نقش الگودهی معلم در جریان تعلیم و تربیت کودکان دوره ابتدایی. تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی.
- مکارمی، آذر. (۱۳۸۲). معلم و بهداشت روانی دانش آموز. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ملکی، حسن. (فروردین ۱۳۷۳). نظام اجتماعی و نقش تربیتی معلم، صلاحیت‌های حرفه معلمی. *ماهنامه رشد معلم*، (۱۰۰)، ۲۶-۲۹.
- نوالی، محمود. (۱۳۸۲). آثار تربیتی ناشی از ویژگیهای گوناگون شخصیتی معلمان در دانش‌آموزان. خلاصه مقالات جایگاه تربیت (نقش تربیتی معلم). تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- Bartlett, J.E., Kotlik, J.W., & Higgins, C.C. (2001). Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research. *Information Technology, Learning, and Performance Journal*, 19(1), 43-50.
- Greene, M. (1986). Philosophy and teaching. In M.C. Wittrock (Ed.), *The handbook of research on teaching* (3rd ed.) (pp. 479-501). New York: Macmillan.
- Hellison, D. (1995). *Teaching responsibility through physical activity*. Champaign, IL: Human Kinetics.
- Miranda, M.A. (2008). Pedagogical content knowledge and technology teacher education: Issues for thought. *Journal of the Japanese Society of Technology Education*, 50(1), 17-26.
- Shulman, L. S. (1986). Those who understand: Knowledge growth in teaching. *Educational Researcher*, 15(2), 4-14.
- _____ (1987). Knowledge and teaching: Foundations of the new reform. *Harvard Educational Review*, 57(1), 1-22.

